خراسان بزرگ:سال چهارم،شماره(۱۲)، پاییز ۱۳۹۲
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.4, No. 12, Autumn 2013

ابعاد تهدید و ناامنی در طول مرزهای شـــرقی ایران با تأکید بر ترانزیت مواد مخدر

عزت الله عــزتی[1]، احمد ســوار رخش[2]

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۳
تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲۷

چکیده

مرزها، خطوطی هستند که یک واحد متشـــکل سیاسی، یا یک کشـــور را، از دیگر واحدهای مجاور جدا می سازند. کارکرد اصلی مرزها، در تعاملات بین کشـــورهای پیرامون آن آشکار می شود، و این تأثیرات متقابل، باعث می گردد تا دولت های دو طرف مرز، نســـبت به یکدیگر، از خود رفتار خاصی بروز دهند.

با توجه به این نکات، جغرافیای امنیتی مرزهای شـــرقی ایران، به شـــدت متأثر از دو کشور همسایه ی افغانستان و پاکســـتان است که هر یک دارای مسائل و مشـــکلات خاصی می باشند که بر امنیت مرزهای شرقی ایران در ابعاد ملی و منطقه ای، تأثیر می گذارد.

ابعاد تهدید و ناامنی در طول مرزهای خاوری ایران، عبارت اند از: مواد مخدر، تروریســـم، مهاجرت و پناهندگان و آوارگان افغانی، توســـعه ی ناامنی به داخل ایران، و تحرکات مذهبی. در این میان، مواد مخدر و ترانزیت آن، به دلیـــل مجاورت ایران با محور هلال طلایی به عنـــوان تولید کننده ی حدود ۸۰درصد مواد افیونی در دنیا، قرار گرفتن در مســـیر مبدأ (افغانستان و پاکســـتان) و مقصد (ترکیه و اروپا)، و تأثیرات مخربی که گذشـــته از روســـتاها و مناطق مرزی، در درون کشور بر جای گذاشته، و هزینه های زیادی را به ملت تحمیل نموده، از اهمیت ویژه و افزون تری برخوردار است.

این مقاله، با روش تحلیلی– توصیفی، و با اســـتفاده از منابع و اســـناد کتابخانـــه ای، در پی تبیین چگونگی ترسیم مرزهای شـــرقی ایران، ابعاد تهدید و ناامنی در طول مرزهای مزبور با تأکید بر مواد مخدر به عنوان مهم ترین مورد تهدید و ناامنی، و تشریح واقعیت ها و ظرفیت های جغرافیایی ایران برای ترانزیت آن از مسیر این کشور می باشد.

کلید واژگان:

ترانزیت مواد مخدر، مرزهای شرقی ایران، محور هلال طلایی، افغانستان، پاکستان.

۱.مدیر و دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات (تهران).
۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات (تهران).
ahmad_savarrakhsh@yahoo.com

مقدمه

مرزها، خطوطی هســـتند که حدود بیرونی یک واحد متشکل سیاسی، یا یک کشـــور را مشخص نموده، و از دیگر واحدهای مجاور جدا می ســـازند. کارکرد اصلی مرزها، در تعاملات بین کشـــورهای پیرامون آن آشکار می شود، و در بستر زمان تحول پیدا می کند. باید گفت که خطوط مرزی، نوع رفتار انســـان هـــا و دولت ها را نســـبت به خود، تعیین می کنند. دولت ها و انســـان ها نیز در مقابـــل، بر رفتار و کارکرد مـــرز تأثیر می گذارند. این تأثیرات متقابل، باعث می شـــود تا دولت های دو طرف مرز، نســـبت به یکدیگر، از خود رفتار خاصی بروز دهند، که این رفتار بـــر وضعیت و کارکرد مرز تأثیر خواهد گذاشت.

زمانی کـــه نخســـتین گام ها برای ترســـیم خطوط نوین مرزی در ســـده ی ۱۹ میلادی برداشته می شد، پادشاهان و مســـئولان وقت ایران، از قافله ی سیاست بین المللی بســـیار دور، و با پیچیدگی های جغرافیایی و حقوقی تعیین مرزهای نو، بیگانـــه بودند. در این دوره ی تاریخی خاص، قلمرو شـــرقی ایران، به نوعی دروازه ی هندوســـتان به شـــمار می رفت که تحت اســـتعمار بریتانیا قرار داشـــت. ســـعی آن ها معطوف بر این بود تا به هر شـــکلی که شده، مانع نفوذ ســـایر قدرت های اروپایی، به ویژه روس ها، در این مناطق شـــوند، لذا از راه های مختلف، به تجزیه ی ســـرزمین های وسیعی در مناطق شمال شرقی، شـــرقی، و جنوب شرقی ایران اقدام نمودند. ضعف سیاسی کشور به همراه روابط ابهام آمیز مرکز- پیرامون، کمک بزرگی برای اجرای چنین اهدافی بـــود، تا جایی که حتی پس از انفکاک قســـمت اعظم خراسان بزرگ و تاریخی، و همچنین بخش های وسیعی از سیســـتان و بلوچســـتان، حدود شرقی کشور را هم، در چند دوره، با حکمیت خـــود تعیین کردند، که بیشتر به ضرر ایران بود.

بدین ترتیب، ایران از سمت مشرق، با کشورهایی هم مرز شد که از همان ابتدا، دارای مشکلات فراوانی بوده، و به مرور زمان، با کودتای مارکسیســـتی در افغانستان، و ســـپس خروج روس ها و روی کارآمدن طالبان، این مشکلات رو به فزونی گذاشـــت. تحولات مورد اشاره به اضافه ی وقـــوع انقلاب در ایران، تأثیر شـــگرفی بر کارکرد مرز مشترک دو کشور داشـــت. طولانی بودن مرزهای شـــرقی ایران (حـــدود ۲۰۰۰کیلومتر مربع)، به همراه وضعیت طبیعی و انســـانی مناطق مرزی که با همســـایگان خود دارای پیوســـتگی های جغرافیایی و علایق تاریخی و فرهنگی مشـــترک هستند، مسأله ی کنترل آن را، دشـــوار می کند. باید اذعان داشت که در بین مرزهای ایران، مرز ایران و افغانســـتان در طول سه دهه ی گذشته، بیشـــترین تعاملات غیر قانونی را داشته، و آسیب های زیادی را متوجه ی امنیت، اقتصاد، و فرهنگ کشور نموده است.

با توجه به این نـــکات، جغرافیـــای امنیتی مرزهای شـــرقی ایران، به شدت متأثر از دو کشـــور همسایه ی افغانستان و پاکستان اســـت که هر یک دارای مسائل و مشـــکلات خاصی می باشـــند که بر امنیت مرزهای شـــرقی ایـــران در ابعاد ملـــی و منطقـــه ای، تأثیر می گذارد. ابعاد تهدید و ناامنی در طـــول مرزهای خاوری ایران، عبارت اند از: مواد مخدر، تروریســـم، مهاجرت و پناهندگان و آوارگان افغانی، توسعه ی ناامنی به داخل ایران، و تحـــرکات مذهبی. اگر چه هر یـــک از عوامل فوق، به تنهایـــی، دارای قدرت تهدید و ناامنی بســـیار بالایی هســـتند، اما در این میان، مواد مخدر و ترانزیت آن، با توجـــه به گردش مالی هزار میلیـــارد دلاری خود در جهـــان، تولید ۸۰درصـــد تریاک و ۷۵درصد ســـایر مواد مخدر دنیا در خاک همســـایگان شـــرقی ما، یعنی افغانســـتان و پاکســـتان که باعث نامیدن آن به محور هلال طلایی شـــده، قرار گرفتن ایران در مســـیر مبدأ (کشـــورهای نامبرده) و مقصد (ترکیـــه و اروپا) این تجارت شوم، و تأثیرات مخربی که علاوه بر روستاها و مناطق مرزی، در داخل کشور بر جای گذاشته، و هزینه های زیـــادی را بر دوش ملت هموار نمـــوده، از اهمیت ویژه و بیشتری برخوردار است.

اگر چـــه ایران زمانی بـــه عنوان تولیـــد کننده نقش فعالی در این محور داشـــت، اما پـــس از روی کارآمدن نظام اسلامی و تصویب قانون ممنوعیت کشت هر نوع گیاهان تخدیری و تولید مواد مخدر در داخل کشـــور، دچار تبدیل نقش گردیده، و با توجه به بستر جغرافیایی مناســـب خود، موقعیت خاص و ممتازی برای ترانزیت مواد افیونی پیـــدا کرد، هر چند که شـــبکه های تولید و توزیع در خاک همسایگان شـــرقی، و باندهای قاچاق ایرانی مرتبط با آن ها، نمی توانند که از بازار مصرف مواد مخدر ۳ میلیارد دلاری ایران، به راحتی چشـــم پوشی نمایند.

معنا و مفهوم مرز

مرزهـــا، خطوطی هســـتند که حـــدود بیرونی قلمرو ســـرزمین تحت حاکمیت یک دولت ملی را، مشخص می کنند۱. مـــرز، عامل تشـــخیص و جدایی یک واحد متشـــکل سیاســـی، یا یک کشـــور، از دیگر واحدهای مجاور آن است۲. تاریخ نشـــان می دهد که در گذشته، مرز، به صورت یک خط مفهوم نداشـــت. در آن زمان، منطقه ی پهناوری را که حد فاصل میان دو امپراطوری بود، منطقـــه ی مرزی مـــی خواندند. معمولاً «ســـر حد»، به معنای آخرین حد پیـــروی یک امپراطوری، در نواحی اطراف خود بوده اســـت. از زمانی که دولت ها بنا برخواســـت ملت ها به وجود آمدند، مرز مفهوم امروزی خود را یافتـــه، و منطقه ی مرزی، جای خـــود را به خط مرزی داد. ازدیـــاد روز افزون جمعیت، و نیـــاز فزاینده ی مردم به منابع طبیعی، موجب شـــد کـــه دولت ها در علامت گذاری خود دقت نمـــوده، و مرزها تا حد ممکن کمترین فضا را اشغال کنند۳.

نقش مرزها

مرزهای هر کشـــور، بر اســـتقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملـــی و امنیـــت داخلی، اوضـــاع اقتصادی، فرهنگ و ایدئولوژی، دیپلماســـی، و نیروی نظامی آن کشور، اثر مســـتقیم و گسترده داشـــته، و اهمیت ویژه ی مرزها را آشـــکار می ســـازد۴. نقش مرزها، متناسب با زمان تغییـــر می کند. بدین لحـــاظ، توجه به وضعیت مرزها، همـــواره از اهمیت و اولویـــت خاصی برخوردار بوده، و دولت هـــا برای کنترل مرزهای خـــود، ناچار به سرمایه گذاری می باشند.

کارکرد اصلی مرزها

مرزهای بین المللی، عامل تشـــخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاســـی– فضایی می باشند که، مستقل از دیگر واحد های مجاور خود هســـتند. کارکرد اصلی مرزها، در تعاملات بین کشـــورهای پیرامون آن آشکار می شود، و در بســـتر زمان تحول پیدا می کند۵. به طور کلی، کارکـــرد های اصلی مرزها را می توان به شـــکل اقتصادی، نظامی– دفاعی، تفکیک قلمرو حاکمیت دو کشور، محل تعامل سیســـتم دولت، جداسازی جوامع پیرامونی (که هویت اکولوژیک و یـــک پارچه دارند)، کنترل تعامـــلات اجتماعی، و مهاجرت ها، مشـــاهده نمود۶.

باید گفت که خطوط مرزی، بر رفتار انسان ها و دولت های پیرامون خود تأثیر می گذارند. به عبارتی، وضعیت مرز، نوع رفتار انســـان ها و دولت ها را نســـبت به خود، تعیین می کنند. دولت ها و انسان ها نیز در مقابل، بر رفتار و کارکرد مرز تأثیر مـــی گذارند، و وضعیت آن را به لحاظ ساختاری و کارکردی متحول می کنند. همچنین دولت های دو طرف مرز نیز تحت تأثیر آن، نســـبت به یکدیگر رفتارِ خاصی از خود بروز می دهند، و نوع رفتار آن ها متقابلاً بر وضعیت و کارکرد مرز تأثیر می گذارد۷.

آغاز ترسیم مرز در ایران

پیدایش اقتصاد بین المللی در سده ی ۱۹ میلادی، و تأسیس پدیده ای تازه به نام «گُمرک خانه» روی خط دقیق برخورد دو حکومت، نخســـتین گامی بود که تعیین خطوط مرزی میان دو حکومت سرزمینی را در پی داشت. یکی از نخستین نمونه های خطوط مرزی نوین، در شمال شرقی هندوستان، میان دو امپراطوری ایران و بریتانیا شکل گرفت۸.

در این دوره تاریخی خاص، ایران از قافله ی سیاست بین المللی بسیار دور و عقب مانده و، با پیچیدگی های جغرافیایـــی و حقوقی تعیین مرزهای نـــو، بیگانه بود۹. مرزهای شـــرقی آن، به نوعی، دروازه ی هندوســـتان به شمار می رفت، و سعی انگلیســـی ها معطوف بر این بود تا به هر شکلی که شده، مانع نفوذ سایر قدرت های اروپایی، بخصوص روسها، به این مناطق شوند، لذا از راه های مختلف به تجزیه ی مناطق شمال شرقی، شرقی، و جنوب شـــرقی ایران، اقدام نمودند. یکی از مؤثرترین روش ها در انجام این مهم، ترســـیم مرزهای نوین بود که از ســـال ۱۸۷۰، در همین حوزه ی جغرافیایی، مابین انگلیسی ها و روسها، آغاز گشت.

۱.R Dikshit ,Political geography (New Dehli: Tata mc Grow–Hill, ۱۹۹۵), P.۵۴.

۲. محمدرضا حافظ نیـــا، «تحلیل کارکردی مـــرز بین المللی — مـــرز ایران و افغانستان، » فصلنامه مدرس، ش ۳۵ (زمستان ۱۳۸۳)، ص ۶۹.

۳. دره میر حیدر، مبانی جغرافیای سیاسی (تهران: سمت، ۱۳۸۴)، ص ۱۶۳.

۴. ابراهیم نجفی، «بررســـی علل ترددهای غیر مجاز مرزی در منطقه سلماس.» (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۶)، ص ۲۴.

۵. حافظ نیا، ص ۶۹.

۶.M Glassner ,Political geography (New York: John Wiley & sons , ۱۹۹۳), P.۸۴.

۷. جی پرســـکات، گرایش های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸)، ص ۸۰.

۸. پیروز مجتهد زاده، ایده های ژئوپولیتیک و واقعیت های ایرانی، مطالعهٔ روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده (تهران: نی، ۱۳۷۹)، ص ۱۱۹.

۹. عزت الله عزتـــی، جغرافیای اســـتراتژیک ایـــران، ج۱، (تهران: ســـازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۹)، مقدمه، نقل به معنی و تلخیص.

ضعف سیاسی کشور به همراه روابط ابهام آمیز مرکز – پیرامون، به تجزیه ی سرزمین های وسیعی در نواحی خراســان، و سیستان و بلوچســتان منجر گردید. بدین ترتیب، مرزهای شــرقی ایران، به شــکل کنونی خود، پدیدار شدند.

مرزهای شرقی ایران

نواحی شمال شــرق، شرق، و جنوب شــرقی ایران، همراه با ســرزمین های پهنــاوری کــه از آن ها تفکیک گردیدند، در چشــم انداز تاریخی خود، به دلیل قرار داشــتن در گهواره ی طبیعی واحــد، یعنی فلات ایران، اجزای تفکیک ناپذیری به شــمار می رفتند. به همین دلیل، از تجانس بالایی برخوردار بوده، و بیش از هر ملتی به یکدیگر نزدیک هســتند۱. جدایی سرزمین های ماوراء النهر، افغانســتان، و بلوچستان پاکستان، از ســرزمین مادر، یعنی ایران، در زمــان های متفاوت، و به دنبال حکمیت ها و معاهــدات مختلف، روی داد. به عنوان مثال، خط مرزی ایران و افغانستان، در نتیجه ی سه حکمیت در ســال های ۱۸۹۱، ۱۹۰۳، و ۱۹۳۵ میلادی، تعیین حدود شــد. طول مرزهای شرقی ایران در حدود ۱۸۴۵ کیلومتر است که ۹۴۵ کیلومتر آن، مرز بین ایران و افغانستان، و مابقی مرز بین ایران و پاکستان را تشکیل می دهند۲.



بخش هایی از خراسان بزرگ در داخل قلمرو کنونی ایران

۱. حافظ نیا، ص ۷۱.
۲. عباس جعفری، شناسنامهٔ جغرافیای طبیعی ایران (تهران: گیتاشناسی، ۱۳۷۴)، ص ۲.

رهیافت جغرافیایی مرزهای شرقی ایران

بخشی از خراســان بزرگ و تاریخی که پس از تجزیه ی آن، برای ایــران باقی مانده، و تحــت همان عنوان تاریخی « خراسان »، پهناورترین استان کشور به شمار می رفت، بر اساس مصوبه ی مجلس شورای اسلامی در ســال ۱۳۸۲ خورشــیدی، به سه اســتان خراسان شمالی، خراســان رضوی، و خراســان جنوبی تقسیم گردید. پاره ای از قلمرو خراسان بزرگ نیز، در محدوده ی استان ســمنان، و به وســعتی کم تر در محدوده ی استان سیستان و بلوچســتان واقع شده است. از این رو، برای رهیافت جغرافیایی بهتر از مرزهای شرقی کشور، به هر یک از آن هــا که در طول نوار مزبــور قرار دارند، جداگانه و البته به اختصار، خواهیم پرداخت:

استان خراسان رضوی:

خراسان رضوی، بزرگ ترین اســتان منفک شده از استان خراســانی اســت که تا قبل از ســه پاره شدن، پهناورترین استان ایران محسوب می شد. قرار داشتن بارگاه مقدس و ملکوتی حضرت امام رضاع در اســتان مزبور، آن را از اهمیت ویــژه و مضاعفی برخوردار کرده است. بر اساس آخرین تقســیمات کشوری، خراسان رضوی بــا مســاحت ۱۱۷/۳۶۰ کیلومتر مربــع (حدود ۵۳ درصد مســاحت استان خراســان پیشین) به مرکزیت « مشــهد مقدس »، دارای ۱۹ شهرستان، ۶۴ نقطه ی شــهری، ۶۲ بخش، ۱۵۵ دهســتان، و ۳۷۶۷ آبادی دارای سکنه بوده، و از شــمال و شمال شرق، به طول ۵۳۱ کیلومتر ، با کشور ترکمنستان، و از شرق نیز، به طول ۳۰۳ کیلومتر، با کشــور افغانستان هم مرز می باشد۳.

استان خراسان جنوبی:

خراسان جنوبی با مســاحت ۹۵/۳۸۵ کیلومتر مربع، دومین پاره ی وسیع خراسان پیشین است که مرکز آن ، « بیرجند » می باشد. این استان دارای ۸ شهرستان، ۲۳ نقطه ی شهری، ۱۹ بخش، ۴۹ دهستان، و ۲۸۶۹ آبادی دارای سکنه بوده، و از شرق، با کشور افغانستان هم مرز است۴.

۳.http://WWW.iranboom.ir/Khaneh.htm
همان.۳

استان سیستان و بلوچستان:

با مســاحتی بالغ بر ۱۸۷/۵۰۲ کیلومتر مربع، قسمت عمده ای از مرزهای شــرقی کشور را به خود اختصاص داده است. این استان، با ۱۴ شهرســتان، ۳۶ نقطه ی شهری، ۶۷ بخش، ۱۶۰ دهستان، و ۷۴۰۲ آبادی دارای ســکنه ، مجموعاً دارای ۱۲۶۰ کیلومتر مرز خشــکی است. تمامی شهرستان های اســتان به غیر از « نیک شهر »، دارای خطوط مرزی هستند که در میان آن ها، شهرستان « سراوان » دارای طولانی ترین خط مرزی بوده، و شهرستان « ســرباز » محدودترین مرز خشکی را داراست۱. مرزهای خشکی سیســتان و بلوچستان، به ترتیب، ۲۸۲ کیلومتر با افغانســتان، و ۹۷۸ کیلومتر با پاکستان می باشد۲.

مرز ایران و افغانستان

همان طور که پیشــتر گفته شــد، خط مــرز ایران و افغانســتان، به تدریج و در نتیجه ی سه حکمیت شکل گرفت. خط مزبــور تا ســال ۱۹۳۶ میــلادی تثبیت گردید۳، و اختلافی، جز در دو مورد، بروز نکرده اســت. یک مورد، مربوط به تقســیم آب رودخانــه ی هیرمند اســت که، همچنان باقی بوده، و گاهی از اوقات منجر به مذاکرات دو جانبه می شــود، به طوری که سبب ۱۲ بحران دیپلماتیک، و ۲۷ مورد مذاکره ی دو جانبه شده اســت۴. در مذاکرات اخیر نیز، به اجــرای معاهده ی سال ۱۳۵۱ خورشیدی، برای تقســیم آب هیرمند، تأکید گردید۵. مورد دیگــر، اختلاف ارضی کوچکی در منطقه ی « اسلام قلعه » اســت که هنوز حل نگردیده، و مذاکرات بر سر آن، تاکنون، بدون نتیجه بوده است۶.

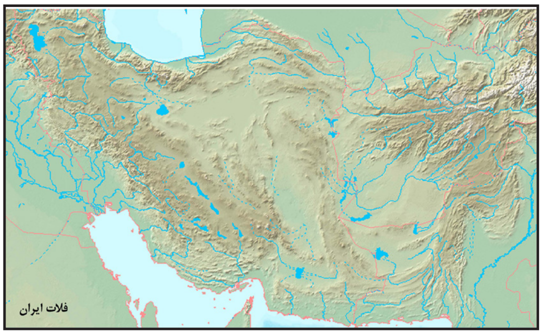
مرز ایران و افغانســتان، از دهانــه ی ذوالفقار (مرز مشــترک ایران، ترکمنستان، و افغانســتان) تا کوه « ملک ســیاه »، و به طول ۹۴۵ کیلومتر کشــیده شده، که بدین شرح است: مرزهای آبی، شامل هریرود ۱۷۵ کیلومتر، هیرمند و سیخ ســر ۵۵ کیلومتر، و دریاچه ی هامون ۲۴ کیلومتر. باقی مانــده به طول ۷۰۹ کیلومتر، مرز خشکی می باشــد۷. خط مرزی ایران و افغانستان، از ابتدای خــود در دهانه ی ذوالفقــار، تا هنگ مرزی « گزیــک »، در واقع نوار مرزی اســتان های خراســان رضوی و خراسان جنوبی را تشــکیل می دهد که ۱۴۰ کیلومتر از آن مرز خشــکی، و ۱۵۷ کیلومتر مرز آبی (رودخانه ی هریرود) است. باقی مانده ی این خط، نوار مرزی استان سیستان و بلوچستان بوده که از « چاه خرما » تا کوه « ملک سیاه »، امتداد دارد۸.

مرز ایران و افغانســتان، در بخش شــمالی و مرکزی (قائنات)، برخوردار از رشــته کوه ها و ارتفاعات بوده، و در بخش های مختلف آن نیز، دشــت های خشــک و وســیع، نظیر: سیســتان، نهبندان، پترگان، امرانی، هشــتادان، تایباد، و جام، وجود دارد. از نظر انسانی، نوار مرزی شمال سیستان تا تربت جام، از اهل سنت هستند، و مــردم طرفین مــرز، از حیث فرهنگــی، اقتصادی، اجتماعی، و مذهبی، با یکدیگر تعامل و پیوند دارند۹.

کودتای مارکسیســتی در ســال ۱۹۷۸ میلادی، که اشغال نظامی افغانســتان به وسیله ی شــوروی را به دنبال داشت، و نیز وقوع انقلاب در ایران، تأثیر شگرفی بر کارکرد مرز مشترک دو کشــور داشت، که پیامد آن، شکل گیری آوارگی و مهاجرت گســترده بود. از آن جا که مرز فاقد عناصر کنتــرل کننده ی لازم بود، آوارگان در چندین موج، به داخل ایران ســرازیر شده، و به شکل های گوناگــون، در جامعه ی ایران مســتقر گردیدند. علاوه بر این، حکومــت نوپای اســلامی در ایران، بر اســاس انگیزه های دینی، ایدئولوژیک، و سیاســی، از حضور مهاجران افغانی اســتقبال نمودند. تا قبل از آن، به دلیل ایســتایی و موازنه ی قوا در نظام ژئوپولیتیک جهانی، و نیز اســتقرار دولت یک پارچه در دو کشــور، صرف نظر از برخی ناهنجاری هــای متعارف در رفتار مرز، نوعی تعادل بر فضای مناطق مرزی، حاکم بود۱۰.

وضعیــت طبیعی و انســانی مناطق مــرزی ایران و افغانســتان، مســأله ی کنترل آن را، دشــوار می کند. این مرز، در بین مرزهای ایران، در ســه دهه ی گذشته، بیشــترین ارتباطات و تعاملات غیر قانونی را داشته، و ایران تاکنون آسیب های زیادی از آن دیده است.

۱. امان الله جهانبانی، سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن (تهران: سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۳۳۸)، ص ۱۰۹.
۲. همان، ص ۱۰۹.
۳. مجتهد زاده، ص ۴۲۳.
۴. یدالله کریمی پور، ایران و همســایگان منابع تنش و مشــاجره (تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۹)، ص ۱۳۸.
۵. علیرضا علی آبادی، افغانستان (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵)، ص ۴.
۶. گراهام فولر، قبلهٔ عالــم، ترجمهٔ عباس مخبر (تهــران: مرکز ، ۱۳۷۳)، ص ۲۵۸.
۷. عزتی، همان، جعفری، ص ۲.
۸. عیسی ابراهیم زاده، آمایش ســرزمین و برنامه ریزی محیطی در جنوب شرق ایران (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۹)، ص ۴۳.
۹. حافظ نیا، ص ۷۲.
۱۰. محمدرضا حافظ نیا، جغرافیای نظامی خراسان (تهران: تربیت مدرس، ۱۳۶۶)، ص ۳۳۶.



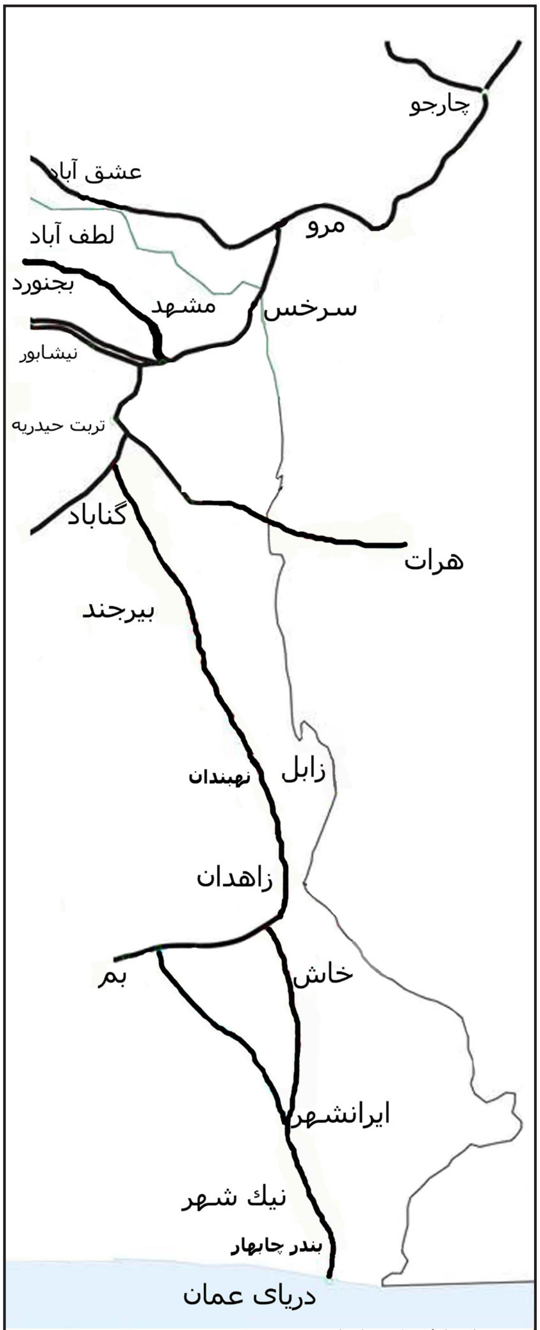
مرز ایران و پاکستان

طول مرز مشترک ایران (تماماً واقع در استان سیستان و بلوچستان) با پاکستان، حدود ۹۰۰ کیلومتر است۱. این مرز از کوه «ملک سیاه» آغاز گردیده، پس از عبور از چند رود و تپه و دشت و ارتفاع، به سمت جنوب امتداد می یابد، تا در نهایت، حدود شرق بندر گوادر، به دریای عمان می رسد۲. مانند مرز مشترک ایران و افغانستان ، کنترل مناطق مرزی ایران و پاکستان، به دلیل وضعیت طبیعی و انسانی آن دشوار بوده، و مسائلی چون قاچاق مواد مخدر، فعالیت های تبلیغی و هابیون در میان مدارس و مساجد اهل سنت، و تشکیل گروه های سیاسی مسلح که مردم بلوچستان ایران را هدف گرفته، بر شدت آن افزوده است. در این جا نیز از نظر انسانی، نوار مرزی استان سیستان و بلوچستان، خاصه بخش بلوچ نشین آن، از اهل سنت هستند، و مردم طرفین خط مرز (بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان)، دارای پیوندهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و مذهبی بوده، که بر تعامل آن ها می افزاید.

اختلافات مرزی ایران با پاکستان، بیشتر در ارتباط با بهره برداری از منابع دریای عمان بوده، ضمن آن که محاط بودن افغانستان در خشکی، به نوعی ایران و پاکستان را، به عنوان یک معبر ارتباطی با آب های آزاد برای این کشور، دچار رقابت نموده است.

ابعاد تهدید و ناامنی در مرزهای شرقی ایران

با توجه به آن چه که تاکنون ارائه گردید، جغرافیای امنیتی مرزهای شرقی ایران، به شدت، متأثر از دو کشور همسایه ی افغانستان و پاکستان است. هر یک از این کشور ها، دارای مسائل و مشکلات خاصی هستند، که بر امنیت مرزهای شرقی ایران در ابعاد ملی و منطقه ای، تأثیر می گذارد. آن چه که به عنوان تهدید و ناامنی در این منطقه قابل ذکر است، در عین حال، می تواند فرصتی در ارتباط با امنیت، برای کشورهای ایران، افغانستان، و پاکستان باشد. ابعاد تهدید و ناامنی در طول مرزهای شرقی ایران را می توان بدین گونه بر شمرد:



کریدور ارتباطی شرق ایران

۱- مواد مخدر:

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، و قرار گرفتن در مسیر مبدأ و مقصد مواد مخدر، قربانی آن محسوب می شود. همجواری با هلال طلایی (افغانستان و پاکستان)

۱ عزتی، همان، ابراهیم زاده، ص ۴۳.
۲. کریمی پور، ص ۱۳۷.

که بیش از ۸۰درصد مواد افیونی جهـــان را تولید و تأمین می کنند، و دارا بودن کوتاه ترین فاصله بین کشـــورهای فوق با ترکیه و اروپا، باعث هجوم گســـترده ی باند های مافیایی به ایران، و در نتیجه آسـیب پذیری کشـــور در جهات مختلف امنیتی گردیده است. بدین ترتیب، ایران، اولین سپر در مسیر قاچاق مواد مخدر به اروپا و آمریکا می باشـــد۱. با توجه به این نکته، که هیچ گونه برنامه ی جدی از سوی افغانستان و پاکســـتان، جهت مقابله با این معضل وجود ندارد، به نظر می رسد که ایران برای صیانت از مرزها و امنیت ملـــی و منطقه ای خود، باید در فکر جلب همکاری های بین المللی باشد.

۲- تروریسم:

ایران و دو همسایه ی شرقی آن، افغانستان و پاکستان، به نوعی از این پدیده ی شـــوم در عذابند. گستردگی فقر عمومی، عدم وجـــود عدالت سیاســـی و قضایی، پای بند نبودن به مسائل حســـن همجواری، دخالت قدرت های فرامنطقـــه ای، و....، زمینه ی لازمه را برای گســـترش پدیده ی مزبور، فراهم نموده اســـت۲. دلایل بر شـــمرده شـــده، اگرچه می تواند برای رشد و توسعه ی تروریسم در این منطقه موجه و کافی باشـــد، ولی واقعیت آن است که ریشه یابی دقیق آن، شـــاید جوینده را به نتایج دیگری رهنمون شود که مســـتلزم صرف وقت زیادی است. قرار گیری سه کشـــور مذکور در منطقه ی جنوب غربی آسیا، خود به خود، بر شـــدت این امر دامن می زنـــد، زیرا هیچ منطقه ای در جهان، به اندازه ی ایـــن منطقه، با پدیده ی تروریسم دست به گریبان نمی باشد.

۳- مهاجرت، و پناهندگان و آوارگان:

ایران و افغانستان، هم دارای علایق تاریخی و فرهنگی مشترک، و هم دارای پیوستگی های جغرافیایی می باشـــند. همان گونه که پیشـــتر توضیح داده شد، کودتای مارکسیســـتی و به دنبال آن حضور نیروهای شـــوروی سابق در افغانســـتان، موجب آوارگی و پناهنده شدن خیل عظیمی از مردم این کشـــور به ســـمت ایران شد. دولت اســـلامی نوپای وقت ایران نیز، هم به دلایل انســـانی، و هم علل ایدئولوژیک و سیاســـی، بـــدون توجه به نتایج و عواقب امر، به اســـتقبال از آن ها شـــتافت. خروج روس ها و به قدرت رســـیدن طالبان، و متعاقـــب آن، حمله ی ایالات متحده و ناتو، موجب تداوم این مسأله شد. به دقت مشخص نگردید که، ایران، پذیرای چه تعداد از مهاجرین افغانی شـــد. برآورد های احتمالی، جمعیتـــی بالغ بر ۲ تا ۳ میلیون نفر را عنـــوان نموده، و لیکن برای رســـیدن به آمار دقیق، می بایســـت ۲۰درصد به ارقـــام مذکور افزود. در حال حاضـــر، حضور آوارگان، در زمینـــه های مختلف امنیتی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی، دارای آثار منفی، در ابعاد ملی و منطقه ای اســـت، و منجر به ایجاد مسائل جدیدی نظیر تغییر چشـــم انداز نوار مرزی و شکل گیری اجتماعات غیـــر بومی در خاک ایـــران۳، تخریب مراتع و محیط زیست مناطق آسیب پذیر مرزی، تغییر نسبت های جمعیتی از طریق ازدواج با اتباع ایرانی، گسترش امراض مسری انســـانی و دامی، قاچاق کالا و پول ایرانی به داخل افغانســـتان، قاچاق مواد مخدر و اســـلحه به داخل ایران، جاسوســـی برای رژیم کابل، اشـــتغال در مشاغل پست و کارگری در ایران۴، و تشـــکیل گتوهـــای قومی از طریق خرید و استملاک زمین در نواحی مرزی۵، گشته است.

٤- توسعه ی ناامنی به داخل ایران:

توســـعه ی ناامنی، از طریق ارتکاب اعمالی چون بمب گذاری، گروگان گیری، و زورگیـــری صورت می پذیرد. این ناامنی ها که ماهیت و ریشـــه ی سیاسی و اجتماعی دارد، به ویـــژه در زمان تســـلط طالبان بـــر بخش اعظم افغانستان، باعث نگرانی شدیدی شده بود. از سوی دیگر، در مرز بین بلوچســـتان ایران و پاکســـتان نیز، تحرکات سیاســـی گروه هایی چون جندالله و جیـــش العدل، که با گروگان گیری مرزبـــان های ایرانی و یا مـــردم بی دفاع دیگر همـــراه بوده، و اخیـــراً هم به گـــروگان گرفتن پنج مرزبان ایرانی توســـط گروه جیش العـــدل منجر گردیده اســـت، نمونه ی بارزی از این گونه رفتارهای مرزی می باشد. بین ســـال های ۱۳۷۶- ۱۳۷۹، در مجموع، ۱۲۴۳ نفر از مردم مناطق روستایی و شهری استان های شرقی ایران، به وسیله ی افغان ها به گروگان گرفته شده بودند، که یک اقدام ملی را به دنبال داشت۶.

۵- تحرکات مذهبی:

از جمله عوامـــل مؤثر در تأمین و یا عـــدم تأمین امنیت مرزها، وابستگی قومی و مذهبی مرزنشینان دو طرف مرز

---

۱. حمیدرضا محمدی، محمد غنجی، « چالش های ژئوپولیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا، » فصلنامۀ ژئوپولیتیک ،س ۲. ش ۱ (بهار ۱۳۸۵)، ص ۹۸.
۲. کریمی پور، ص ۱۳۰.
۳. حافظ نیا، ۱۳۶۶، ص ۳۳۵.
۴. همان، ۱۳۸۳ ، ص ۷۴.
۵. کریمی پور، ص ۱۵۴ .
۶. حافظ نیا، ۱۳۸۳، ص ۷۵.

است۱. اگر اعتقادات مذهبی مرزنشینان در دو سمت مرز یک سان باشد، علایق قوی تری در رفت و آمدهای بین دو طرف و عبور غیر قانونی از مرز را، به وجود خواهد آورد، خاصه اگر مرزنشینان از فرهنگ پایینی برخوردار بوده، و الگوی افتخار رایج در بین آن ها، الگوی ناهنجار و خلاف قانون و عرف جامعه ی عمومی آن کشور باشد۲.

با توجه به این نکته که اکثریت مردم ساکن در دو طرف مرزهای شرقی ایران، به غیر از سیستان، از اهل تسنن و پیرو مذهب حنفی هستند، وجود حوزه های علمیه ی سنی که به نوعی با نظام مذهبی حاکم بر ایران واگرایی دارند، در انحراف افکار و اندیشه های مذهبی و مخالف در میان بخشی از آنها، تأثیر زیادی خواهد داشت.



هلال طلایی

ترانزیت مواد مخدر و مسیرهای عمده ی آن در طول مرزهای شرقی ایران

تمامی مواردی که به عنوان ابعاد تهدید و ناامنی در طول مرزهای شرقی ایران در صفحات پیشین بر شمرده شد، هر یک به جای خود بسیار تأثیر گذار بوده، و می توانند جغرافیای امنیتی مرزهای شرقی را، دستخوش تلاطم سازند. هر گونه ناامنی در طول مرزهای یک کشور نیز می تواند تأثیرات منفی زیادی بر امنیت داخلی و ملی داشته باشد. لیکن در میان تهدیداتی که به آن ها اشاره گردید، مشکل قاچاق مواد مخدر، بیش از دیگر موارد، امنیت مرزهای شرقی، و در نتیجه امنیت ملی را نشانه گرفته است، خاصه آن که موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران، از نظر مجاورت با یکی از بزرگ ترین کانون های تولید و توزیع مواد مخدر، موسوم به محور هلال طلایی، و قرار گرفتن در مسیر مبدأ و مقصد ترانزیت آن، بر این جذابیت، بیش از پیش افزوده است.



حدود تقریبی خراسان بزرگ

محور هلال طلایی

منظور از این محور، کشورهای افغانستان، پاکستان، و ایران است. در این میان، افغانستان از سه دهه ی گذشته تاکنون، کانون تولید تریاک وسایر مواد مخدر بوده، به گونه ای که در طول این مدت، ۸۰درصد تریاک، و ۷۵درصد سایر مواد مخدر جهان را تولید کرده است. در آخرین ارزیابی اداره ی مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل (UNODC)، در سال گذشته ی میلادی، ۱۵۰هزار هکتار از اراضی افغانستان زیر کشت گیاهان تخدیری بوده، و ۳۷۰۰تن تریاک نیز تولید شده است۳. تولید مواد مخدر در افغانستان، به رغم تحولات متعدد سیاسی در این کشور، تفاوتی نکرده، و همچنان مقام نخست را در تولید مواد مخدر، در جهان، داشته است. علاوه بر این، افغانستان، بالاترین میزان مصرف جهانی به نسبت جمعیت را داراست. طبق آمار UNODC، امروزه بیش از یک میلیون نفر از اتباع این کشور، مواد مخدر مصرف می کنند۴.

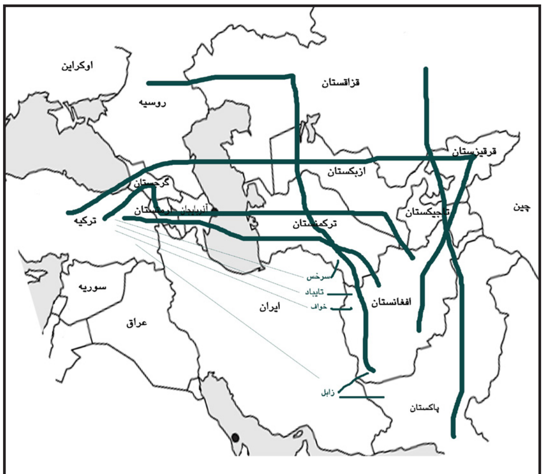
---

۱. نجفعلی ملک محمدی، «بررسی علل تردد های غیر مجاز اتباع ایرانی در مرز ایران و نخجوان.» (پایان نامه دافوس، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۷۸)، ص ۵۲.

۲. همان، ص ۵۴.

۳. سید سعید قادری، «تولید انبوه مواد مخدر زیر چکمه تفنگداران غربی،» روزنامۀ اطلاعات، ش ۲۵۷۳۱ (۱۴ آبان ماه ۱۳۹۲). ص ۱۶.

۴. همان، ص ۱۶.



مسیرهای عمده قاچاق مواد مخدر از محور هلال طلایی - تهیه و تنظیم احمد سواررخش

وضعیت پاکســـتان، به عنوان دیگر همسایه ی شرقی، و به عنوان دومین کشـــور در این محور، بهتر از افغانستان نبوده، و در ســـال ۲۰۰۳میلادی، ۲۵۰۰هکتار از اراضی این کشور، زیر کشت گیاهان تخدیری قرار داشته است۱. اهمیت این کشـــور، بیشـــتر از نظر تولید هروئین می باشد که ۷۵درصد هروئین کشف شده در اروپا، ۲۵درصد در آمریکا، و ۷۵درصد در کشورهای عربی حاشیه ی خلیج فارس، تولید این کشور، و البته با مشارکت جدی افغان ها، بوده است۲.

ایران نیز که زمانی، مرغوب تریـــن تریاک دنیا را تولید می کرد۳، و طی گزارش جامعه ی ملل در سال های اولیه ی سلطنت رضاشاه، « بزرگ ترین انبار تریاک جهان »۴، و در گزارش هیأت مرکزی دایمی تریاک سازمان ملل، « ســـهم عمده ای در اعتیاد بین المللی »۵ داشته، به طوری که مســـئولیت اعتیاد مردم چین نیز به گردن ایران افتاده بود، پس از روی کار آمدن نظام اســـلامی، ضمن ممنوع کردن کشـــت هر گونه گیاه تخدیری، به مبارزه ی شدید ی علیه تجارت مواد افیونی و سوداگران خاص آن، اقدام نمود، که متأســـفانه، آن گونـــه که بایـــد، مثمر ثمر نبوده اســـت. دلیل عمده ی ایـــن ناکامی را، بایـــد در مجاورت مرزهای شـــرقی ایران با دیگر کشـــورهای محور مزبور، یعنی افغانستان و پاکســـتان جستجو کرد، جایی که بدون مشـــارکت جدی و صمیمانه ی آن ها، هر گونه تلاش و تکاپو از سوی ایران، بدون نتیجه خواهد ماند.

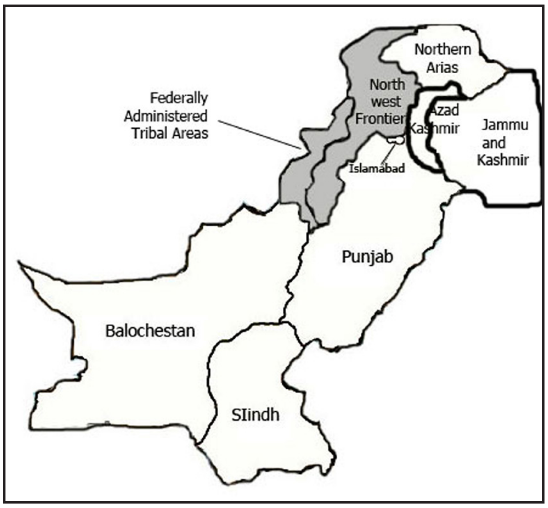
۱. فرخ الله شـــاه بهرامی، « جغرافیای امنیتی مرزهای شـــرقی ایران با نگرش به محور هلال طلایی. » (پایـــان نامه دکتری، واحد علـــوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی، ۹۱- ۱۳۹۰)، ص ۱۷۵.

۲. مارتین بوث، تاریخ تریـــاک، ترجمهٔ منوچهر نوایی (تهران: صفی علیشـــاه، ۱۳۸۰)، ص ۴۳۷.

۳. علی اکبر ســـفیدپور، اثرات اجتماعی تریاک (تهران: دانشگاه پلیس، ۱۳۴۱) ، ص ۶۴.

۴.Richard Deverall, Red China's and Dirty Drug War (Tokyo: ۱۹۵۵), P.۲۷.۲

۵.Ibid., P.۲۸.



در حال حاضر نیز، هیچ گونه برنامه ی جدی و عزم راسخ، در این زمینه، از سوی کشورهای فوق مشاهده نمی شود. تحولات یک دهه ی گذشته ی افغانستان، که منتهی به حضور حدود ۱۵۰هزار ســـرباز ناتو و غرب در این کشـــور شـــد، این فرض را تداعی می کرد که این نیروها، به دلیل روشنی مانند رابطه ی مستقیم مواد مخدر با تروریسم، می بایســـت با این پدیده نیز، مقابله کنند، اما نیروهای مزبور با این اســـتدلال که هم زمان نمی توانند هم با تروریسم و هم با مافیای مـــواد مخدر برخورد کننـــد، ضمن آن که سازمانِ ملل، چنین دســـتوری را به آن ها تفویض نکرده و صرفاً وظیفه ی مبارزه با تروریســـم را دارند، از هر گونه دخالت در این مورد خودداری کردند. به نظر می رسد غرب مایل اســـت تا از یک طرف مرکز ثقل تولیـــد مواد افیونی در جغرافیای خاصی مانند افغانســـتان باشـــد، و از طرفی دیگر، به عنوان مزاحم جدی امنیت و اتحاد کشـــورهای غیر همســـو با غرب، فعال باقی ماند۶. با چنین وضعیتی، معلوم اســـت که تلاش های ایران، به تنهایی، ره به جایی نخواهد برد.

بستر جغرافیایی مناسب

گروه های مافیایی مواد مخدر و ســـازمان های دســـت اندر کار قاچاق آن، نیازمند بســـترهای عملیاتی مناســـبی هستند تا در کار خود، به موفقیت دست یابند. بدون تردید، بهترین عامل، بستر مناسب جغرافیایی است، زیرا موقعیت جغرافیایی، یک رکن اساســـی، برای فعالیـــت این گونه

۶. قادری، ص ۱۶.

تشکیلات محسوب می شود.

جغرافیای نواحی شرقی ایران، خاصه در طول مرزهای آن، دقیقاً دارای چنین وضعیتی است. وجود مناطق خشک، کویری، و بیابانی مرزی با افغانستان و پاکستان، از تایباد و نمکزار خواف تا زابل، و از آن جا تا میرجاوه و گواتر، اگر چه از نظر طبیعی، دارای شرایط بسیار نامساعدی است، اما برای قاچاق چیان، شرایط مساعد و ممتازی را فراهم نموده، تا جایی که عرصه های فوق، جولان گاه ایده آلی برای تاخت و تاز آن ها، به شمار می رود[1]. وجود سرزمین های خشک و فقیر از نظر آب و گیاه، به ویژه در مناطق جنوب شرقی تا نواحی مرکزی کشور که اصولاً از شرایط اقلیمی و ژئومورفولوژیک نامساعدی برخوردارند، همراه با سکنه ی بسیار کمی که در آن نقاط به سر می برند، محیط دل پسندی را، جهت تسهیل در امر انتقال و ترانزیت مواد افیونی پدید آورده است.

نگاهی اجمالی به همسایگان ایران، می تواند به روشنی، موقعیت جغرافیایی خاص و ممتاز ایران را برای ترانزیت مواد مخدر عیان سازد. همسایگان شرقی ایران، افغانستان و پاکستان هستند که اولی، اصلی ترین تولید کننده ی تریاک جهان، و دیگری به عنوان یکی از منابع عظیم هروئین دنیا به شمار می روند. همسایگان شمالی، تعدادی از جمهوری های شوروی سابق اند که به نوعی دست اندرکاران قاچاق مواد مخدر می باشند. ترکیه نیز به عنوان یکی از همسایگان غربی، کانونی عمده برای تصفیه و تبدیل تریاک به هروئین و مرفین، و صدور آن به بازارهای اروپایی به حساب می آید. آن چه بیشتر به نگرانی ها دامن می زند، عدم همبستگی و هماهنگی این همسایگان با ایران، به ویژه همسایگان شرقی، در جهت مقابله ی جدی با این پدیده است. بیهوده نیست که تلاش های ایران در این زمینه، نه تنها ثمر نداده، بلکه با وجود ممنوعیت کشت و تولید هر گونه گیاه تخدیری، هم بر میزان کشفیات مواد مخدر و تنوع آن، و هم بر تعداد معتادان در داخل کشور، افزوده شده است. برابر گزارش سازمان ملل، بین سال های ۱۹۹۶ — ۲۰۰۰ میلادی، فقط در مرز ایران با افغانستان، مجموعاً ۵۰۲۴ مورد درگیری با قاچاق چیان روی داده که طی آن، ۷۲۰ افسر ایرانی کشته شدند[2]. این آمارها، همواره سیر صعودی داشته است[3]. تعداد معتادان ایرانی که در سال ۱۳۶۰ خورشیدی، حدود یک میلیون نفر بود، در سال ۱۳۷۹ خورشیدی، به ۲/۵ میلیون نفر رسید[4]، که آن نیز همواره سیر صعودی داشته، اما مورد تکذیب مقامات رسمی کشور واقع شده است. وزیر کشور، تعداد معتادان ایرانی را، ۱/۳۲۵/۰۰۰ نفر اعلام کرده، و این در حالی است که تعریف دقیقی از معتاد وجود ندارد. بسیاری از مصرف کنندگان مواد مخدر صنعتی جدید، خود را اساساً معتاد نمی دانند و به طور طبیعی، در آمارها هم، ردی از آن ها به دست نمی آید[5].

مسیرهای عمده ی قاچاق مواد مخدر:

بدون شک، مهم ترین بخش در چرخه ی تولید هر محصولی، توزیع آن در بازارهای مصرف و رساندن به دست مشتری و متقاضی است. تولید مواد مخدر نیز، از این قاعده مستثنی نیست. کشت گیاهان تخدیری، برداشت و سپس تبدیل آن ها (چه در محل کشت و چه در جایی دور از آن) به صورت دلخواه، اگر چه خود به تنهایی از مشکلات فراوانی برخوردار است، اما بیشتر دل مشغولی های دست اندرکاران این تجارت شوم، رساندن آن به مقصد و بازارهای مورد نظر است. از این رو، مسیرهای تردد و قاچاق مواد مخدر، و شناخت دقیق از جغرافیای آن ها، برای سوداگران افیون واجد اهمیت بسیاری است:



قاچاق مواد مخدر در مسیر ایران

۱. شاه بهرامی، ص ۲۱۱.
۲. WWW.Undcp.org/report-۲۰۰۰
۳. حافظ نیا، ۱۳۸۳، ص ۷۵.
۴. کریمی پور، ص ۱۵۱.
۵. محمد علی بدری، «آمارهای تکان دهنده وزیر کشور از تجارت مرگ»، روزنامهٔ همشهری، ش ۶۱۷۳ (یکشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۲)، ص ۱۸.

مسیر ایران:

ایران به عنوان بخشی از محور هلال طلایی، و به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، در مسیر مبدأ (افغانستان و پاکستان) و مقصد (ترکیه و اروپا) مواد مخدر، قرار گرفته است۱. پیشتر به آمار تولید مواد مخدر، و نوع و چگونگی آن در محور مزبور، اشاره گردید، لذا از تکرار آن خودداری کرده، به این نکته بسنده می نمائیم که تأمین ۷۵درصد تریاک جهان و ۸۰درصد هروئین اروپا، آن را به یکی از مهم ترین کانون های تولید مواد افیونی در دنیا، تبدیل نموده است.



ایران، نزدیک ترین مسیر بین افغانستان و اروپا می باشد. از این رو، مرزهای شرقی آن، با فشار بسیار زیادی از سوی قاچاق چیان بین المللی روبرو است. طویل بودن مرزهای شرقی کشور با حدود ۲۰۰۰کیلومتر طول، ایران را از نظر قاچاق و ترانزیت مواد مخدر، آسیب پذیر نموده است. از سوی دیگر، وضعیت طبیعی و انسانی مناطق مرزی ما بین ایران و افغانستان، مسأله ی کنترل آن را دشوار می سازد. این مرز در بین مرزهای ایران در سه دهه ی گذشته، بیشترین ارتباطات و تعاملات غیر قانونی را داشته، و آسیب های زیادی از این ناحیه متوجه ی ایران شده است۲.

طی سه دهه ی گذشته، بیش از سه میلیون آواره ی افغانی، به دفعات، و به صورت های مجاز و غیر مجاز، در این نوار طویل مرزی تردد نموده، و به تمامی نقاط آن وقوف دارند. ورود مهاجران آواره به ایران، از تمامی معابر وصولی، انجام گرفته است. این معابر به دو دسته ی کلی تقسیم می شوند، معابر جاده ای و رسمی، و معابر غیر جاده ای و غیر رسمی که به حدود ۱۵ مورد می رسد. اما علاوه بر این معابر، مسیرهای پنهانی نیز در مرز وجود دارد، که مورد استفاده ی قاچاق چیان می باشد۳. مجهز گشتن به انواع سلاح های گرم و وسایل ارتباطی مدرن، کار تردد و قاچاق را برای آن ها تسهیل نموده است.

در طول دوران تسلط طالبان، افراد وابسته به این گروه، مسلحانه، از مرزهای افغانستان وارد ایران شده، و ضمن حمایت از قاچاق چیان افغانی و ایرانی، محموله های مواد مخدر آنان را اسکورت، و در مواقع درگیری با نیروهای مرزی ایران، پشتیبانی عملیاتی می کردند. رفته رفته، دامنه ی عملیات مسلحانه ی طالبان، و انسداد جاده ها و غارت اموال، از استان خراسان، به روستاهای استان گلستان نیز کشیده شد.

از طرف دیگر، افزایش شدید کشت خشخاش، و به دنبال آن، کاهش شدید قیمت تریاک، باعث رواج تجارت مواد مخدر در بین روستائیان مرزی شد. در واقع، کاهش قیمت مواد مخدر، موجب افزایش قدرت خرید، و گرایش به قاچاق آن گردیده، و مقدار معتنابهی از تولیدات تخدیری افغانستان، به طرف مرزهای شرقی ایران سرازیر شد که موجبات نگرانی شدید مسئولان و دست اندرکاران ایرانی را فراهم آورد.

افزایش قاچاق و ترانزیت مواد مخدر، سیر صعودی ناامنی ها در طول مرزهای شرقی، و رشد هر چه بیشتر کشفیات در داخل کشور، کار را بدان جا رساند که شورای امنیت ملی، با وجود آن که ایران، حاکمیت طالبان را به رسمیت نمی شناخت، پذیرفت که با گروه مزبور، تنها در زمینه ی مبارزه با مواد مخدر، همکاری نماید، به شرط آن که جبهه ی متحد شمال به رهبری برهان الدین ربانی که به عنوان دولت قانونی مورد تایید ایران و اکثریت کشورهای جهان و حتی سازمان ملل متحد بود، به خاطر پیش گیری از برخی تبعات ثانویه، از این توافق بویی نبرده، و افق این همکاری ها، که همراه با سرمایه گذاری ایران بود، منجر به کاهش کشت خشخاش در افغانستان گردیده، و زمینه ی اقدامات ضد امنیتی را در طول مرزهای شرقی، به ویژه استان « خراسان » کاهش دهد۴.

قاچاق مواد مخدر در مسیر ایران، به طور عمده، از افغانستان، به استان های خراسان رضوی و خراسان جنوبی صورت می گیرد. مناطق اصلی قاچاق به سمت شمال و در اطراف تایباد، نزدیک به جنوب در اطراف بیرجند، و به سمت جنوب در اطراف منطقه ی زابل در استان سیستان و بلوچستان می باشد. منطقه ی دیگر، به سمت شمال شرقی و در مرز با ترکمنستان قرار داشته که

---

۱. WWW.odccp.org/iran/country

۲. حافظ نیا، ۱۳۸۳، ص ۷۲.

۳. همان، ۱۳۸۳، ص ۷۲.

۴. شاه بهرامی، ص ۲۱۱.

در اطراف سرخس واقع گردیده است.
این نکته نیز قابل ذکر است که بخشی از قاچاق مواد مخدر به ایران، از طریق شیخ نشین های حاشیه ی خلیج فارس صورت می پذیرد. سازمان دهندگان شبکه های قاچاق که از مسیر ایران، ترانزیت مواد افیونی را به مقاصد دلخواه خود انجام می دهند، در خارج از ایران، و بیشتر در افغانستان، پاکستان، و امارات متحده ی عربی مستقرند. به ندرت اتفاق می افتد که از سایر کشورهای منطقه نیز، قاچاق مواد مخدر به داخل ایران، صورت گیرد۱.

از سوی دیگر، با وجود تعدد مسیرهای قاچاق و ترانزیت مواد مخدر از افغانستان، بیش از نیمی از کشفیات هروئین جهان، در جنوب غرب آسیا و به ویژه در ایران روی داده است. ترانزیت نزدیک به ۹۰درصد کشفیات هروئین در اروپا، از مبدأ افغانستان، و از طریق ایران، به عنوان نزدیک ترین و سودمندترین راه، انجام گرفته است. افزایش کشفیات هروئین و مرفین در ایران، حاکی از رشد سطح زیر کشت در افغانستان، و همچنین رشد ترانزیت مواد مخدر، از مسیر ایران می باشد.

انبارهای مواد مخدر درافغانستان، بیشتر در استان های نیمروز، فراه، و هرات، متمرکز بوده، که مناطق مزبور، با استان های ایرانی خراسان رضوی، خراسان جنوبی، و سیستان و بلوچستان هم مرز هستند، که این همجواری، مشکلات امنیتی و اجتماعی فراوانی را برای ایران، ایجاد نموده است۲. بیشتر تریاک بازار مصرف ایران، از طریق جنوب و غرب افغانستان تأمین می شود. نزدیکی این مناطق با مرزهای ایران، و ارزان بودن نسبت به انواع دیگر آن مانند تریاک مشرقی، باعث گرایش تجار مواد مخدر ایران به این مناطق، مگر در موارد استثنایی، در جهت تأمین بازار مصرف داخلی شده است.

در مورد هروئین نیز، مصرف کنندگان ایرانی، بیشتر از هروئین خاکستری، هروئین تر، و کراک استفاده می کنند که اغلب در افغانستان تولید می شود. دلیل امر را باید در ارزان بودن آن ها جستجو کرد. به همین دلیل، تجارت بین شبکه های قاچاق هروئین در ایران با شبکه های مواد مخدر در پاکستان، برای تأمین بازار مصرف ایران، از جایگاه چندانی برخوردار نیست، هر چند برخی بررسی ها، بیانگر آن است که تعدادی از شبکه های قاچاق ایرانی در استان سیستان و بلوچستان، خاصه در زاهدان، ایرانشهر، و چابهار، با تجار مواد مخدر، مستقر در منطقه ی خیبر

۱. همان، ص ۱۷۰.
۲. محمد هاشم عصمت اللّهی، جریان پرشتاب طالبان (تهران: الهدی، ۱۳۷۸)، ص ۲۱۰.

(یکی از مناطق مرزی افغانستان و پاکستان)، در امر قاچاق حشیش، از طریق بندر کراچی و دریای عمان و خلیج فارس به طرف کشورهای عربی، مشارکت فعال دارند که در جریان عملیات پلیس و در چند نوبت، محموله های آن ها، کشف و ضبط گردید.

همچنین این بررسی ها حاکی از آن است که علاوه بر شبکه های ایرانی مستقر در سیستان و بلوچستان، بعضی از شبکه های قاچاق که در تهران و مناطق غربی ایران فعالند، ارتباطاتی با تعدادی از شبکه های منطقه ی خیبر داشته، و محموله های خریداری شده ی خود را، در کرمان، طبس، و یا در اطراف زاهدان، از شبکه های افغانی و یا پاکستانی تحویل می گیرند۳.

یکی دیگر از شیوه های ترانزیت هروئین از طریق ایران به اروپا، پر کردن آن ها درون نی های نیم متری، و سپس بافت و جاسازی نی ها، با ظرافت تمام، در داخل قالیچه، به عنوان صنایع دستی، در کارگاه های کوچک بافت قالیچه در مناطق خیبر است که هر قالیچه، در درون خود، حاوی ۲۵۰ تا ۳۰۰گرم هروئین سفید، و یا هروئین با درصد خلوص بالا بود. دور نی ها را نیز با کاغذ های کاربن می پیچیدند تا دستگاه های «ایکس . ری »، قادر به کشف آن نباشند. مقصد این گونه محموله ها، ابتدا قبرس، و در نهایت ایالات متحده بود۴.

آمارهای تکان دهنده و قابل تأمل

گردش مالی ناشی از فروش مواد مخدر در دنیا، هزار میلیارد دلار است که، سه میلیارد دلار آن در ایران می گردد؛ یعنی رقمی در حدود نه هزار میلیارد تومان. این گردش مالی، چنان برای کارتل های پنهان و پیدای مواد مخدر مهم است که یک طلاق مرتبط با مواد مخدر در هر ۸ دقیقه، ۹ کشته بر اثر سوء مصرف در روز، ۳۸۰۰ شهید ایرانی در راه مبارزه ی با این مواد و...، برای آن ها چیزی نیست۵.

آمار رسمی ارائه شده از سوی وزارت کشور ایران، حاکی است که در حال حاضر، یک میلیون و ۳۲۵ هزار معتاد در کشور وجود دارد، که اگر بُعد خانوار در نظر گرفته شود، حدود ۶ میلیون نفر به طور مستقیم با مواد مخدر درگیر هستند که این رقمی قابل توجه و نیازمند بسیج عمومی برای حل این مسأله است۶. اما گزارش های غیر رسمی،

۳. شاه بهرامی، ص ۱۸۴.
۴. همان، ص ۲۰۰.
۵. بدری، ص ۱۸.
۶. «بسیجی وار باید با مواد مخدر مبارزه کرد، » روزنامۀ اطلاعات، ش ۲۵۷۹۳ (شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۲)، ص ۱۳.

بیانگر رقمی بســـیار بالاتراســـت، چنان که در گزارشی منتشر شـــده، تعداد معتادان ایرانی در سال ۱۳۷۹، یعنی ۱۳سال پیش از نوشتن این سطور، ۲/۵ میلیون نفر اعلام گردید۱. در گزارش رســـمی اعلام شـــده از سوی وزارت کشور نیز، تعریف مشخصی از «معتاد» ارائه نشده است۲.

بر طبق همین آمار رســـمی، ۴۶ درصد از زندانیان داخل کشور، افرادی هستند که به صورت مستقیم با مواد مخدر ارتباط داشـــته، و ۲۵ درصد به طور غیر مستقیم در همین ارتباط، در زندان به ســـر می برند. همچنین ۲۰ درصد از معتـــادان دارای مدرک لیســـانس، و ۷۰ درصـــد دیپلمه هســـتند. ۵۳درصد از آن ها شاغل و ۶۳درصد، متأهل می باشند.

در پنج ســـال گذشـــته، طبق آمار وزارت کشور، تعداد زنان معتاد دو برابر شـــده، و از ۵/۲ درصـــد به ۹/۲درصد افزایش یافته است؛ به عبارت دیگر، از هر ۱۱ زن ایرانی، یک نفر معتاد اســـت. ۶۲درصد از معتـــادان زن، متأهل بوده، ۳درصد بی ســـواد مطلق، ۱۵درصد سواد ابتدایی، ۱۵درصد راهنمایی، ۴۱درصد دیپلم، ۹درصد فوق دیپلم، و ۱۰درصد مدرک کارشناســـی دارند. تعـــداد زنان معتاد شهرها، ۹/۷درصد و روســـتاها ۵/۴۱ درصد بوده است۳. نکته ی قابل تأمـــل دیگر در مورد زنـــان معتاد، گزارش نهادهای امنیتی و انتظامی از گسترش توزیع مواد مخدر، به ویژه «شیشه» در آرایشگاه های زنانه ی تهران است. بر طبق این گزارش، حدود ۱۸ هزار آرایشگاه زنانه ی غیر مجاز، تنها در شهر تهران فعالیت می کنند که برخی از آن ها، تحت همین عنوان، به توزیع مواد مخدر، و تشـــکیل باندهای فساد و فحشا می پردازند۴.

آماری وجود دارد که عمده معتادان کشـــور را، در رده ی سنی ۲۰ تا ۳۰ ســـال می داند، آماری که به عمق فاجعه از پیش می افزایـــد، لیکن باز، وزارت کشـــور این آمار را نپذیرفته، و بر اساس شـــیوع شناسی سال ۱۳۹۰، آن را در رده ی سنی بین ۳۵ تا ۳۹ سال می داند، که این نیز خود به نوعی فاجعه است۵.

از ابعاد هولنـــاک دیگر در ارتباط با مـــواد مخدر، زمان دست رســـی به آن اســـت. در حالی که برای پیدا کردن یک دارو، باید بـــه چندین داروخانه مراجعـــه نمود، «طه طاهری» قائم مقام دبیر کل ســـتاد مبارزه با مواد مخدر، طی گزارشی در اواخر ســـال ۱۳۹۱، زمان دست رسی به مواد مخدر را، پنج دقیقه اعلام کرد۶. البته چنین سرعتی، چندان جای تعجب ندارد، زمانی که ۸۰۰هزار نفر در سطح کشور، در زمینه ی تهیه و توزیع مواد مخدر فعال هستند۷.

مسئولان و دســـت اندرکاران حوزه ی اعتیاد در کشور، به تازگـــی، در مصاحبه ها و ســـخن رانی هـــای خود، به دفعات، به موضوع «بازگشت هروئین» اشاره می کنند، و آمارهای ثبت شـــده ی مراکز درمانی نیز، گواهی بر این مدعاست۸. تنها در طول یک هفته، از قول سرتیپ دوم «سیروس سجادیان»، فرمانده ی انتظامی استان فارس، ۲۵۱۴ کیلوگرم انواع مواد مخدر در این اســـتان کشـــف گردید که، ۵۱۴ کیلوگرم آن شامل هروئین بود۹.

در آخرین روزهای ســـال گذشـــته ی میلادی بود که رئیس دفتر مقابله با مواد و جرم سازمان ملل، در مصاحبه ای با خبرگـــزاری «رویتـــرز»، در خصـــوص افزایش کشت تریاک و افزایش تولید ســـایر فرآورده های آن در افغانســـتان، پس از خروج نیروهای نظامی ایالات متحده و ناتو از این کشـــور در ســـال ۲۰۱۴، ابراز نگرانی کرد و افزود، خروج این نیروها، بـــه بی کاری تعداد قابل توجهی از مردم افغانستان منجر خواهد شد، و انتظار می رود این نیروی کار به ســـمت تولید تریاک و مشتقات آن، به ویژه هروئین گرایش پیدا کند.۱۰ ایـــن دل نگرانی برای مردم افغانســـتان از یک طرف، می تواند هشداری جدی برای مسئولان و دســـت اندرکاران حوزه ی اعتیاد در کشور، و همچنین نهادهای امنیتی و انتظامی باشـــد، زیرا، همان گونه که بیان گردیـــد، هر نوع تغییر و تحـــول در اوضاع همسایگان شـــرقی ایران، خصوصاً افغانستان، به صورت مســـتقیم بر ایران و اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و امنیتی آن تأثیر گذار بوده، و دود آن بیشـــتر به چشم ایرانیان، فرو خواهد رفت.

نکته ی آخر این که، شـــاهد همه گونـــه کالای چینی در بازارهای مصرف ایران بودیم، جـــز مواد مخدر چینی،

---

۱. کریمی پور، ص ۱۵۱.

۲. مینا شـــهنی، «مـــواد مخدر با اســـامی جدید جـــان می گیرنـــد،» روزنامۀ همشهری، ش ۶۱۷۲ (شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۲)، ص ۲۲.

۳. بدری، ص ۱۸.

۴. «جولان مخدرها در آرایشـــگاه های زنانه،» هفته نامۀ یالثارات الحسین، ش ۷۴۵ (چهارشنبه ۱۵آبان ۱۳۹۲)، ص ۲.

۵. مریم خباز، «۳۰۰هزار توزیع کنندۀ مواد مخدر داریم،» روزنامۀ جام جم، ش ۳۸۳۱ (دوشنبه ۱۳آبان ۱۳۹۲)، ص ۷.

۶. «دسترســـی به مواد مخدر، از ۵ دقیقه تا یک ســـاعت،» روزنامۀ شرق، ش ۱۸۸۷ (شنبه ۲ آذر ۱۳۹۲)، ص ۶.

۷. مهدی آئینی، «۵۰ نوع مخدر جدید در راه ایران،» روزنامۀ جام جم، ش ۳۸۶۹ (شنبه ۳۰آذر ۱۳۹۲)، ص ۱.

۸. عباس دیلمی زاده، «بازگشت هروئین،» روزنامۀ شرق، ش ۱۸۵۷ (دوشنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۲)، ص ۱.

۹. «انهدام شـــبکۀ بین المللی مواد مخـــدر،» روزنامۀ کیهـــان، ش ۲۰۶۸۰ (دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۲)، ص ۱۱.

۱۰. دیلمی زاده، ص ۱.

که آن هم در بازار مصرف مواد مخدر ایران رؤیت گردید. آن طور که مشخص است، همان طول اندک مرزهای مشترک چین و افغانستان، این انگیزه را در میان چینی ها ایجاد کرده که به کشت گیاهان تخدیری رو آورده، و به صورت گسترده و مطابق با سایر تولیدات خود، به قیمت ارزان، آن را ترانزیت نمایند. ترانزیت مواد مخدر چینی از داخل افغانستان به ایران صورت می گیرد۱.

نتیجه گیری

تأثیرات متقابل خطوط مرزی بر نوع رفتار انسان ها و دولت ها نسبت به خود، و بر رفتار و کارکرد مرز، باعث می شود تا دولت های دو طرف مرز، نسبت به یکدیگر، رفتار خاصی نشان دهند که بر وضعیت و کارکرد مرز، بسیار مؤثر خواهد بود.

با توجه به این نکات، جغرافیای امنیتی مرزهای شرقی ایران، به شدت متأثر از دو کشور همسایه ی افغانستان و پاکستان است که هر یک دارای مسائل و مشکلات خاصی بوده و بر امنیت مرزهای شرقی ایران در ابعاد ملی و منطقه ای، تأثیر می گذارد. ابعاد تهدید و ناامنی در طول مرزهای شرقی ایران، عبارت اند از : مواد مخدر و قاچاق و ترانزیت آن، تروریسم، مسأله ی مهاجرت افغانی ها و پناهندگان و آوارگان این کشور، توسعه ی ناامنی به داخل ایران، و تحرکات مذهبی، که در این میان، به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص ایران، مواد مخدر و ترانزیت آن، از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده، و بیش از سایر عوامل، باعث ناراحتی و دل مشغولی مسئولان دولتی و نهادهای امنیتی و انتظامی شده است.

ایران در مجاورت محور هلال طلایی که ۸۰درصد تریاک و ۷۵درصد سایر مواد مخدر دنیا را تولید می کند، کوتاه ترین و سودمند ترین مسیر بین این محور شامل افغانستان و پاکستان، و مقصد را که عبارت از ترکیه و در نهایت اروپا باشد، داراست. به همین دلیل، مرزهای شرقی آن، با فشار بسیار زیادی از سوی شبکه های مافیایی تولید و توزیع مواد مخدر روبروست. طویل بودن مرزهای شرقی کشور با حدود ۲۰۰۰کیلومتر طول، و وجود مناطق خشک، کویری و بیابانی مرزی با پوشش گیاهی بسیار اندک، و آب کم، به همراه جمعیت قلیلی که از نقاط مزبور تا نواحی مرکزی کشور پراکنده اند، محیط ایده آلی را، جهت تسهیل در امر قاچاق و ترانزیت مواد مخدر، پدید آورده است. با وجود تعدد مسیرهای قاچاق و ترانزیت مواد مخدر از افغانستان و پاکستان، ترانزیت نزدیک به ۹۰درصد کشفیات مواد مخدر، به خصوص هروئین، از طریق ایران، انجام می پذیرد.

از سوی دیگر، بازار مصرف مواد مخدر در داخل ایران، با گردش ۳ میلیارد دلاری خود (حدود ۹هزار میلیارد تومان)، مانع از چشم پوشی کارتل های پیدا و پنهان مواد مخدر از چنین بازاری است.

آن چه که بیشتر مایه ی ناراحتی و دل نگرانی است، خروج نیروهای نظامی ایالات متحده و ناتو، از افغانستان، در طول سال جاری میلادی است. بدون تردید خروج این نیروها، به بی کاری تعداد قابل توجهی از مردم افغانستان منجر خواهد شد، و انتظار می رود که این نیروی کار، به سمت تولید تریاک و مشتقات آن، گرایش پیدا کند. اصولاً در همسایگان شرقی ایران، هیچ گونه برنامه ی رسمی، و یا اراده و عزم راسخ جهت مقابله با این پدیده ی شوم، مشاهده نمی شود، به همین دلیل، هر گونه تغییر و تحول در اوضاع کشورهای فوق، به صورت مستقیم بر ایران و وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و امنیتی آن تأثیر فراوانی خواهد گذاشت.

بیش از ۴ هزار نفر، هر ساله در ایران، به دلیل مصرف مواد مخدر، جان خود را از دست می دهند و با توجه به این آمار می توان گفت مرگ و میر به دلیل مصرف مواد مخدر، چهارمین جای گاه علل مرگ و میر را در کشور به خود اختصاص داده است. یکی از مهم ترین دلایلی که سبب فراگیر شدن مشکل اعتیاد و مهارنشدن تجارت مواد مخدر در کشور شده، عقب افتادن سازمان های درگیر در این حوزه است. منظور از عقب افتادن، آماده نبودن زیر ساخت ها در زمینه ی پیش گیری، اطلاع رسانی، و مقابله با قاچاق چیان است. به عنوان مثال، هنوز پروتکل های درمانی مخدرهای قدیمی مانند « شیشه » که سال هاست در کشور قربانی می گیرد، به شکل کامل تدوین نشده، خبر می رسد که ۵۰ نوع مواد مخدر جدید، در راه ایران است. به نظر می رسد که مواد مخدر، در جهان و از جمله ایران، مقابله ندارد، زیرا نه می توان آن را ریشه کن نمود، و نه می توان جلوی ورود آن را به داخل کشور گرفت. این بدان معنا نیست که این پدیده ی شوم به حال خود رها شود، بلکه باید با آن مصالحه نمود، و این مصالحه با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و امنیتی هر کشور متفاوت می باشد.

---

۱. دومان سهند، «از تریاک چینی تا شیشهٔ تایلندی در بازار» روزنامهٔ شرق، ش ۱۸۶۰ (شنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۲)، ص ۴.

فهرست منابع:

آئینی، مهدی « ۵۰نوع مخدر جدید در راه ایران ، » روزنامۀ جام جم، ش (۳۸۶۹). شنبه ۳۰آذر ۱۳۹۲. صص ۱ و ۱۷.)
ابراهیم زاده،عیسی. آمایش سرزمین و برنامه ریزی محیطی در جنوب شرق ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، (۱۳۸۹).
«انهدام شبکۀ بین المللی مواد مخدر ، » روزنامۀ کیهان،(ش ۲۰۶۸۰. دوشنبه ۱۶دی ۱۳۹۲. ص ۱۱).
بدری، محمد علی. «آمارهای تکان دهنده وزیر کشـــور از تجارت مرگ ، » روزنامۀ همشهری، (ش ۶۱۷۳. یکشنبه ۶بهمن ۱۳۹۲. ص ۱۸).
«بسیجی وار باید با مواد مخدر مبارزه کرد، » روزنامۀ اطلاعات ، (ش ۲۵۷۹۳. شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۲. ص ۱۳).
بوث،مارتین. تاریخ تریاک. ترجمۀ منوچهر نوایی. تهران: انتشارات صفی علیشاه،(۱۳۸۰).
پرسکات،جی. گرایش های تازه در جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میر حیدر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران،(۱۳۵۸).
جعفری،عباس. شناسنامۀ جغرافیای طبیعی ایران، تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی،(۱۳۷۴.)
« جولان مخدرها در آرایشگاه های زنانه ، » هفته نامۀ یالثارات الحسین، (ش ۷۴۵. چهارشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۲. ص ۲.)
جهانبانی، امان الله. سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن، تهران: سازمان جغرافیایی ارتش،(۱۳۳۸.)
حافظ نیا، محمدرضا. « تحلیل کارکردی مرز بین المللی – مرز ایران و افغانستان. » فصلنامه مدرس. (ش ۳۵. زمستان ۱۳۸۳. ص ۶۹).
حافظ نیا، محمدرضا. جغرافیای نظامی خراسان. تهران: دانشگاه تربیت مدرس،(۱۳۶۶.)
خباز،مریم « ۳۰۰هزار توزیع کنندۀ مواد مخدر داریم، » روزنامۀ جام جم، (ش ۳۸۳۱. دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۲. ص ۷.)
« دسترسی به مواد مخدر، از ۵ دقیقه تا یک ساعت ، » روزنامۀ شرق،(ش ۱۸۸۷. شنبه ۲ آذر ۱۳۹۲. ص ۶.)
دیلمی زاده،عباس « بازگشت هروئین ، » روزنامۀ شرق، (ش ۱۸۵۷. دوشنبه ۲۲مهر ۱۳۹۲. صص ۱و۶.)
سفیدپور،علی اکبر. اثرات اجتماعی تریاک، تهران: دانشگاه پلیس،(۱۳۴۱.)
سهند، دومان. « از تریاک چینی تا شیشۀ تایلندی در بازار ، » روزنامۀ شرق، (ش ۱۸۶۰. شنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۲. ص ۴.)
شاه بهرامی،فرخ الله. « جغرافیای امنیتی مرزهای شرقی ایران با نگرش به محور هلال طلایی. » پایان نامۀ دکتری، واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی،(۹۱–۱۳۹۰.)
شهنی،مینا « مواد مخدر با اسامی جدید جان می گیرند ، » روزنامۀ همشهری، (ش ۶۱۷۲. شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۲. ص ۱۳.)
عزتی،عزت الله. جغرافیای استراتژیک ایران، ۳ج، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۹.
عصمت اللّهی ،محمد هاشم. جریان پرشتاب طالبان . تهران: انتشارات الهدی،(۱۳۷۸.)
علی آبادی،علیرضا. افغانستان، تهران: مؤسسۀ چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، (۱۳۷۵.)
فولر،گراهام. قبلۀ عالم. ترجمۀ عباس مخبر. تهران: نشر مرکز،(۱۳۷۳.)
قادری، سید ســعید « تولید انبوه مواد مخدر زیر چکمه تفنگداران غربی ، » روزنامۀ اطلاعات،(ش ۲۵۷۳۱. ۱۴آبان ماه ۱۳۹۲. ص ۱۶.)
کریمی پور،یدالله. ایران و همسایگان، منابع تنش و مشاجره، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم، (۱۳۷۹.)
مجتهد زاده،پیروز. ایده های ژئوپولیتیک و واقعیت های ایرانی، مطالعۀ روابط جغرافیا و سیاســت در جهان دگرگون شونده، تهران: نشر نی،(۱۳۷۹.)
محمدی،حمیدرضا و محمد غنجی. « چالش های ژئوپولیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا. » فصلنامه ژئوپولیتیک. (س ۲. ش ۱. بهار ۱۳۸۵. ص ۹۸.)
ملک محمدی،نجفعلی. « بررسی علل ترددهای غیر مجاز اتباع ایرانی در مرز ایران و نخجوان. » پایان نامه دافوس، دانشگاه علوم انتظامی،(۱۳۷۸.)
میر حیدر، دره. مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت،(۱۳۸۴.)
نجفی، ابراهیم. « بررسی علل تردد های غیر مجاز مرزی در منطقه سلماس . » پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی، (۱۳۸۶.)

Deverall, Richard (1955). Red China's and Dirty Drug War. Tokyo.
Dikshit, R (1995). Political geography. New Dehli.
Glassner, M(1993). Political geography. New York.
http://WWW.iranboom.ir/Khaneh.htm.
WWW.odccp.org/iran/country.
WWW.Undcp.org/report/2000